



## Crimes Against Judicial Justice During Proceedings and Sentencing with a Comparative Approach

Noor Hossain Kahrizi <sup>1</sup>, Tayebeh Bijani Mirza <sup>2\*</sup>, Shahram Mohammadi <sup>3</sup>

PH. D Student in Criminal Law & Criminology, Department of Law, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

Assistant Professor, Department of criminal law and criminology, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 615-634

Article history:

Received: 21 Apr 2023

Edition: 3 Jul 2023

Accepted: 28 Aug 2023

Published online: 8 Oct 2023

### Keywords:

Judicial Justice, Crimes Against Judicial Justice, Proceedings, Sentencing.

### Corresponding Author:

Tayebeh Bijani Mirza

### Address:

Iran, Sanandaj, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Department of criminal law and criminology.

### Orchid Code:

0009-0000-2735-2055

### Tel:

087-33626458

### Email:

[t.bizhani@iausdj.ac.ir](mailto:t.bizhani@iausdj.ac.ir)

### ABSTRACT

**Background and Aim:** judicial justice is one of the important issues of criminal law. The purpose of this article is to examine the crimes against judicial justice during the trial and issuing the verdict with a comparative approach.

**Materials and Methods:** This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

**Ethical Considerations:** In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are respected.

**Findings:** Although there is relative harmony in the way of criminalizing and reacting to these crimes, crimes against judicial justice in Iran, unlike countries such as France, are not mentioned in a separate chapter in the Islamic Penal Code and are only scattered among the articles of the said law. It has been mentioned by the legislator and this is while the said statute has mentioned crimes against justice in a separate chapter.

**Conclusion:** It is necessary for the Iranian legislator to review the shortcomings of the laws of crimes against judicial justice according to the comprehensive laws of crimes against judicial justice of countries like France and implement the revised laws in the new approvals.

Cite this article as:

Kahrizi N H, Bijani Mirza T, Mohammadi SH. Crimes Against Judicial Justice During Proceedings and Sentencing with a Comparative Approach. *Economic Jurisprudence Studies*. 2023.



### جرائم علیه عدالت قضایی در حین دادرسی و صدور حکم با رویکرد تطبیقی

نورحسین کهریزی<sup>۱</sup>، طیبه بیژنی میرزا<sup>۲\*</sup>، شهرام محمدی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.
۲. استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.
۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** عدالت قضایی از موضوعات مهم حقوق کیفری است. هدف مقاله حاضر، بررسی جرائم علیه عدالت قضایی در حین دادرسی و صدور حکم با رویکرد تطبیقی است.

**مواد و روش‌ها:** مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

**ملاحظات اخلاقی:** در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** هرچند در شیوه جرم‌انگاری و عکس‌العمل در قبال این جرائم هماهنگی نسبی وجود دارد؛ جرائم علیه عدالت قضایی در ایران برخلاف کشورهای مانند فرانسه، به صورت یک فصل مجزا در قانون مجازات اسلامی اشاره نشده است و صرفاً به صورت پراکنده و در لایه‌لای مواد قانون مزبور مورد اشاره مقنن قرار گرفته است و این در حالی است که اساس‌نامه مزبور در یک فصل مجزا به جرائم علیه عدالت اشاره کرده است.

**نتیجه:** لازم است قانون‌گذار ایرانی، کم و کاستی‌های قوانین جرائم علیه عدالت قضایی را با توجه به قوانین جامع جرائم علیه عدالت قضایی کشورهای مانند فرانسه مورد بازبینی قرار دهد و قوانین اصلاح‌شده را در مصوب‌های جدید به مرحله اجرا در آورد.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۱۵-۶۳۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۱

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۴/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶

#### واژگان کلیدی:

عدالت قضایی، جرائم علیه عدالت قضایی، دادرسی، صدور حکم.

#### نویسنده مسئول:

طیبه بیژنی میرزا

آدرس پستی:

ایران، سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی.

کد ارکید:

0009-0000-2735-2055

تلفن:

۰۸۷-۳۳۶۲۶۴۵۸

پست الکترونیک:

[t.bizhani@iausdj.ac.ir](mailto:t.bizhani@iausdj.ac.ir)

## ۱. مقدمه

ایران، قوه قضائیه عهده‌دار اجرای عدالت قضایی است. از این‌رو، مسئله قضا در قانون اساسی به‌منظور پاسداری از حقوق مردم، امری حیاتی شمرده شده است. عدالت قضایی مراحل مختلف تحقیقات مقدماتی، دادرسی و صدور حکم و اجرای حکم را شامل می‌شود. در خصوص جرائم علیه عدالت قضایی پژوهش‌های متعددی انجام شده است. اسدی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای، به‌طور تطبیقی جرائم علیه عدالت قضایی در حقوق ایران و اردن را بررسی کرده است. فلکی و جزایری (۱۴۰۰) در مقاله‌ای، جرائم علیه عدالت قضایی در مرحله اجرای حکم در حقوق کیفری ایران را بررسی کرده‌اند. انصاری و بیاتی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای جایگاه عدالت قضایی در تحقق جامعه مطلوب اسلامی را مورد بررسی قرار داده‌اند. هر یک از پژوهش‌های مورد اشاره به ابعاد مختلفی از جرائم علیه عدالت قضایی توجه کرده‌اند. در مقاله حاضر تلاش شده است تا جرائم علیه عدالت قضایی در حین دادرسی و صدور حکم با رویکرد تطبیقی به کشورهای چو فرانسه و عراق بررسی شود و نوآوری مقاله نیز در بررسی همین موضوع به صورت تطبیقی است. در رویکرد تطبیقی مقاله نیز حقوق عراق به‌عنوان یک کشور اسلامی و فرانسه به عنوان یک کشور با نظام حقوقی رومی ژرمنی تحلیل شده است و نیز به اسناد بین‌المللی اشاره شده است. بر اساس آنچه گفته شد، هدف مقاله حاضر بررسی این پرسش است که حقوق کیفری ایران، به‌منظور حفاظت از عدالت قضایی در حین دادرسی و صدور حکم چه قوانینی وضع کرده است و چه مواردی را جرم‌انگاری انگاشته است و رویکرد حقوق کیفری ایران در این خصوص در یک بررسی تطبیقی با برخی

عدالت، از جمله مفاهیمی است که بشر در عمق فطرت خویش برای ارزش و تعالی آن قدم برداشته است و همواره به‌دنبال راهکارهایی برای اجرای آن بوده است. در این راستا دادرسی عادلانه به‌عنوان بازتاب عدالت در جامعه همواره در نظام‌های خصوصی مورد توجه است؛ زیرا در پرتو عدالت و اثبات آن در جامعه و حمایت قانونی از کسانی که قانوناً موظف به اجرای عدالت باشند این امکان در جامعه به‌وجود می‌آید که سازمان‌ها و مؤسسه‌های دولتی و عمومی و همچنین اقشار مختلف جامعه فعالیت‌های گوناگون خود را به دور از افراط و تفریط و در کمال صداقت و درست‌کاری به انجام برسانند. یکی از مهم‌ترین آرمان‌ها و آرزوهای جامعه بشری، اجرای عدالت قضایی است. عدالت، یعنی قرار دادن هر چیزی در جای خود و برابر شمردن همه افراد جامعه از نگاه قانون و هم‌چنین نفی جامعه طبقاتی. عدالت قضایی نیز به‌معنای حل اختلافات افراد با یکدیگر بر اساس قوانین مصوب است. عدالت قضایی از بزرگ‌ترین اهداف هر نظام قضایی است تا در سایه آن عدالت کیفری به‌خوبی اجرا شود و تحقق آن زمانی خواهد بود که سیستم قضایی به‌گونه‌ای عادلانه برنامه‌ریزی شده باشد. عدالت قضایی را می‌توان مهم‌ترین شعبه عدالت دانست به‌گونه‌ای که کاربرد عدالت به‌تنهایی همان معنای عدالت قضایی را در ذهن تقویت می‌کند، زیرا عدالت آمیخته با قضاوت و دادگری است عدالت قضایی یعنی این‌که عدالت در عمل اجرا شود تا حق کسی ضایع نشود. عدالت قضایی از محوری‌ترین پایه‌های عدالت اجتماعی در اسلام به‌شمار می‌رود. در نظام جمهوری اسلامی

کشورهای دیگر چگونه قابل بررسی است؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا مفهوم عدالت قضایی بررسی شده است و در ادامه جرائم علیه عدالت قضایی در حقوق ایران با رویکرد تطبیقی با برخی کشورها و اسناد بین‌المللی بررسی شده است.

## ۵. بحث

در این قسمت مفاهیم و یافته‌ها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

## ۵-۱. مفهوم عدالت قضایی

«عدالت قضایی عبارت است از رسیدگی بی‌طرفانه، منصفانه و ضابطه‌مند به دعاوی، تظلمات و جرائم توسط مقامات قضایی است. عدالت قضایی را دادرسی عادلانه و منصفانه نیز می‌گویند» (طارمی، ۱۳۸۸، ۸۷)، «لیکن این تعابیر جامع و فراگیر نیست و تنها رسیدگی در مرحله دادرسی و صدور حکم را به ذهن می‌آورد، هرچند دادرسی گاه به معنای عام استعمال می‌شود، به نحوی که تحقیقات مقدماتی را هم شامل شود مانند تعبیر «آئین دادرسی کیفری» که منظور از آن، آئین و تشریفات رسیدگی کیفری در کلیه مراحل است، اما معنای خاص دادرسی همان محاکمه در دادگاه است (آشوری، ۱۳۷۶، ۵۴).

## ۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

## یافته‌ها

هرچند در شیوه جرم‌نگاری و عکس‌العمل به این جرائم هماهنگی نسبی وجود دارد؛ اما جرائم علیه عدالت قضایی در ایران برخلاف کشورهایمانند فرانسه، به صورت یک فصل مجزا در قانون مجازات اسلامی بیان نشده است و صرفاً به صورت پراکنده و در لابه‌لای مواد قانون مزبور مورد اشاره مقنن قرار گرفته است. این در حالی است که اساس‌نامه مزبور در یک فصل مجزا به جرائم علیه عدالت اشاره کرده است.

اگر افراد جامعه انسانی از حیث انسانیت و حقوق انسانی مساوی بودند باید در مقام قضا نیز مساوی باشند و حقی که مورد تجاوز قرار گرفته است استیفا شود و هیچ ملاحظه اعتباری و غیر ارزشی مورد توجه قرار نگیرد. در این بحث چند نکته قابل توجه است: یکی اینکه قانون‌گذار باید قانونی وضع کند که همگان در آن برابر باشند؛ زیرا تصویب قوانینی که برخی انسان‌ها را به دلایل ناموجه از برخی حقوق قضایی محروم کند موجب دور شدن قانون‌گذار از عدالت قضایی است. نکته دوم از منظر تابعان قانون

## ۵-۲. جرائم علیه عدالت قضایی در مرحله دادرسی و صدور حکم

در این قسمت رویکرد حقوق کیفری ایران با رویکرد تطبیقی با برخی کشورها و اسناد بین‌المللی نسبت به برخی از مهم‌ترین جرائم علیه عدالت قضایی در مرحله دادرسی و صدور حکم بررسی می‌شود.

### ۵-۲-۱. تهدید شهود و بزه دیده

عموماً فرض بر آن است که شهادت مهم‌ترین ابزار برای اثبات حقیقت به‌ویژه در رسیدگی‌های کیفری است، یا هم‌چنان که بنتام می‌گوید: «شهود گوش‌ها و چشم‌های عدالت‌اند». اکثریت آگاه هستند که نقش خاص شهود به‌ویژه در رسیدگی‌های کیفری به‌طور روزافزون مورد شناسایی قرار گرفته است و اینکه گواهی آن‌ها غالباً برای محکومیت مرتکبان حیاتی است. حفاظت و حمایت از شهود، اولین بار در آمریکا و در دهه ۱۹۷۰ با هدف متلاشی کردن سازمان‌های مجرمانه از نوع مافیایی اجرا شد. تا آن زمان، اصل «سکوت» غیر مکتوب در اعضای مافیا حاکم بوده است و هر شخصی که برخلاف آن عمل می‌کرد و با پلیس یا مجریان قانون همکاری می‌کرد، به مرگ تهدید می‌شد (شعبانی، ۱۳۹۱، ۵). اهمیت شهادت در رسیدگی‌های داخلی و بین‌المللی به‌عنوان دلیل و گاهی کمک و قرینه در راهنمایی قاضی برای دستیابی به واقعیت و نزدیک شدن به عدالت بر کسی پوشیده نیست. درعین حال، توانایی یک شاهد برای ادای شهادت در یک مرکز قضایی یا همکاری با تحقیقات مجریان قانون، بدون ترس از تهدید و ارعاب، برای حفظ حاکمیت قانون امری حیاتی است.

است که حتی قانون‌گذار هم پس از اتمام قانون-گذاری در این دسته (تابعان قانون) قرار می‌گیرد. برای اجرای بهتر عدالت قضایی هم باید وضعیت اصحاب قضا چنان تنظیم شود که به‌لحاظ مادی احساس بی‌نیازی کنند و وضعیت مالی و سیاسی و یا موقعیت سیاسی مراجعان در آن‌ها تأثیر نگذارد و همگان به یک چشم و به یک صورت یکسان دیده شوند (آقائی، ۱۳۹۰، ۸۲).

«باید توجه داشت که عدالت قضایی متفاوت از عدالت کیفری است. عدالت کیفری بیشتر بر آئین دادرسی کیفری استوار است و می‌تواند بزه‌کار را از ناکرده بزه تفکیک نموده و ضمن جلوگیری از خودسری و استبداد مجریان عدالت کیفری، از اشتباهات قضایی ممانعت و اجرای عدالت را میسر سازد» (آشوری، ۱۳۷۶، ۴۳)؛ «اما عدالت قضایی به‌دنبال اجرای عادلانه مجازات و در صدد پیگیری عدالت در مرحله قضاوت و پس از آن است. تحقق عدالت قضایی زمانی میسر خواهد بود که سیستم قضایی به‌گونه‌ای عادلانه برنامه‌ریزی شده باشد. از این‌رو عدالت قضایی بیش از هر چیز، وام‌دار عدالت کیفری و قوانین عادلانه است. فرآیند صدور تا اجرای حکم، گرفتار چالش‌های ریز و درشتی است که نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، برای رها کردن روند اجرای عدالت از این چالش‌هاست. جرائمی که قابلیت آن را دارند تا مسیر اجرای عدالت توسط مجریان قانون را منحرف سازند را جرائم علیه عدالت قضایی می‌نامند» (توجهی و دیگران، ۱۳۹۱، ۸).

نوشته یا سندی بدهد یا نوشته یا سندی را امضا یا مهر کند یا سند یا نوشته‌ای را که مال خود اوست یا سپرده به اوست از او بگیرد، به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا سه سال محکوم خواهد شد». بر اساس ماده ۲۳۴: «هر کسی به وسیله تهدید و اجبار وجه نقد یا چیز دیگری تحصیل کند، به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد و جزای شروع به این عمل حبس جنحه‌ای از یک ماه تا شش ماه است».

مطابق ماده ۲۳۵: «هرگاه کسی کتباً با امضا یا بدون امضا شخصی را تهدید به قتل کند و به این واسطه تقاضای وجه یا مالی یا تقاضای انجام امری نماید به حبس تأدیبی از یک سال الی سه سال محکوم خواهد شد و اگر تقاضای وجه یا مال یا انجام امری ننماید به حداقل مجازات مزبور محکوم می‌شود. هرگاه کسی به وسائل مزبوره شخصی را تهدید کند یا به ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی یا به افشای سری یا نسبت دادن اموری که موجب هتک شرف است و به این واسطه تقاضای وجه یا مالی یا تقاضای انجام امری نماید به حبس تأدیبی از یک ماه الی شش سال محکوم می‌شود و در صورت عدم تقاضا محکوم به حداقل مجازات مزبور خواهد شد و اگر تهدید شفاهی باشد جزای آن حبس تأدیبی از هشت روز الی یک ماه است؛ اعم از آنکه تقاضای وجهی یا کاری همراه آن بوده باشد یا نباشد».

«لذا چنان که از مطالعه این مواد دریافت می‌شود مواد ۲۳۳ و ۲۳۴ این قانون بحث اخذ سند، نوشته و وجه نقد به واسطه تهدید را مطرح می‌نمود و ماده ۲۳۵ قانون مذکور موضوع تهدید به قتل و ضرر شرافتی و نفسی را به تفکیک در مقابل تقاضای با عدم تقاضای

به همین دلیل اساساً نامۀ دادگاه کیفری بین‌المللی، تهدید شهود، جهت عدم حضور در محکمه و ادای شهادت را در بند «ج» ماده ۷۰ به عنوان جرم علیه عدالت قضایی در نظر گرفته است.

تهدید در یک تقسیم‌بندی کلی شامل دو قسم تهدید صریح و تهدید ضمنی است. تهدید صریح آن است که به طور صریح فرد به امری علیه خود یا دیگری ترسانده می‌شود. قسم دوم تهدید، تهدید ضمنی است. «این نوع از تهدید در بر دارنده حالت‌هایی است که تهدید واقعی اما بیان‌نشده علیه بزه‌دیده یا شاهدی که قصد همکاری با نظام عدالت کیفری را دارد. به عبارت دیگر در این نوع تهدید اقدامات صریح از طرف متهم و هم‌دستان و اعضای باند او صورت نمی‌گیرد؛ ولی سابقه و نوع فعالیت قبلی و هم‌دستان وی بیان‌کننده نوع تهدید برای دیگران می‌باشد» (میرزایی، ۱۳۸۴، ۱۷).

«تهدید در قوانین کیفری ایران دارای آثار متفاوتی می‌باشد. گاه تهدید شرط تحقق جرم است (ماده ۶۹ ق. م. ا). گاه یک کیفیت مشدده محسوب می‌گردد (بند ۵ ماده ۶۵۱ ق. م. ا) و گاه باعث سلب مسئولیت از شخص مرتکب رفتار مادی می‌شود (بند ۳ ماده ۱۹۸ ق. م. ا) و گاه تهدید خود به طور مستقل جرم‌انگاری شده است. آنچه در این بند مورد بررسی قرار می‌گیرد شق آخر یعنی تهدید به عنوان جرم مستقل است. جرم‌انگاری تهدید در قوانین جزای ایران برای نخستین بار به قانون مجازات ۱۳۰۴ باز می‌گردد. در آن قانون سه ماده ۲۳۳، ۲۳۴ و ۲۳۵ به بحث تهدید اختصاص داده شده بود» (گلدوست، ۱۳۹۵). مطابق ماده ۲۳۳: «هر کسی دیگری را به جبر و قهر و یا به اکراه و تهدید ملزم نماید به اینکه

به‌تنهایی جرم مستقلی است. بدین تعبیر اگر شخصی، دیگری را تهدید به ارتکاب جرم کند، مرتکب جرم علیه اشخاص شده است (کوشا، ۱۳۸۱، ۳۵).

قانون‌گذار نیز تهدید شاکی یا بزه‌دیده را به‌صورت مستقل جرم دانسته است. تهدید شاکی مبنی بر اینکه شکایت خود را طرح نکند و یا اینکه شکایت مطروحه خود را مسترد کند، این عمل به‌عنوان جرم علیه عدالت مطرح می‌شود. چرا که یکی از موارد تقلیل اشتباه قاضی و نیل به عدالت این است که شاکی بتواند در آرامش و اطمینان شکایت خود را طرح کند. بنابراین کسانی که بزه‌دیده از جرم را که مشخص و معین است، تهدید یا مرعوب کنند، مرتکب جرم علیه عدالت شده‌اند.

لازم به توضیح است تهدید در قانون جزای فرانسه به‌عنوان جرم علیه اشخاصی در دو ماده بیان شده است: تهدید ساده؛ تهدید توأم با انجام یک امر یا اجرای دستور یا انجام یک شرط. اگر تهدید ساده به جرم (جنایت یا جنحه) غیر از قتل باشد مجازات آن تا شش ماه و تا ۴۵ هزار یورو در نظر گرفته شده است (کوشا، ۱۳۸۱، ۳۶). همچنین قانون جزای فرانسه در ماده ۴۳۴-۸ بیان می‌دارد: «هر تهدید یا عمل ارباب آمیزی نسبت به قاضی، دادستان عضو هیئت منصفه یا هر شخص دیگر دست اندر کار امور قضایی، داور، مترجم، کارشناس یا وکیل مدافع یکی از طرفین دعوی، به‌منظور تأثیرگذاری بر رفتار وی در اجرای وظایفش مستوجب سه سال حبس و چهل و پنج هزار یورو جزای نقدی می‌باشد» (حسن‌پور و دیگران، ۱۳۹۶، ۲۷۱).

امری مشخص بیان می‌نمود. وجه متمایز اصلی مواد فوق آن بود که دو ماده اول مفید و ماده ۲۳۵ آن قانون مطلق بود. بدین معنا که صرف تهدید بدون حصول نتیجه را جرم‌انگاری نموده بود. اگرچه این قانون تفکیک مناسبی بین تهدیدهای مختلف گذارده بود؛ لیکن مانند قوانین بعد از خود بین تهدید مقام‌های قضایی و دیگر افراد تفکیکی قائل نشده بود» (بکرنگی، ۱۳۹۶، ۹۲).

در حقوق کیفری فرانسه ماده ۴۳۴-۵ مقرر می‌دارد: «هر گونه تهدید یا هر عمل ارباب‌آمیز نسبت به دیگری به‌منظور مجبور ساختن بزه‌دیده یک جنایت یا جنحه مبنی بر عدم طرح شکایت یا استرداد شکایت مستوجب سه سال حبس و ۴۵ هزار یورو جزای نقدی است».

اگر تهدید یا هر گونه اعمال رعب‌انگیز شخص به این منظور باشد که قربانی جرم، نزد مقامات قضایی شکایتی مطرح نکند یا شکایت خود را پس بگیرد، طبق ماده ۴۳۴-۵ قانون مجازات فرانسه مجرم تلقی می‌شود. مطابق این ماده، هر تهدید یا عمل رعب‌آوری که شخص نسبت به بزه‌دیده معین و مشخصی در جرم ناظر به جنایت یا جنحه مرتکب شود تا بزه‌دیده، بر اثر این تهدید شکایت خود را مطرح نکند یا از شکایت مطروحه صرف‌نظر کند، عمل او جرم تلقی خواهد شد. این جرم، از جرائم عمدی و مقید است. سوءنیت خاص در ماده مذکور این است که عمل فرد باید منجر به عدم طرح شکایت یا استرداد آن توسط بزه‌دیده بشود؛ در غیر این صورت منطبق بر ماده ۴۳۴-۵ قانون مجازات فرانسه نیست. در جرائم علیه اشخاص در قانون جزای فرانسه یکی از موضوعات عبارت است از: تهدید، تهدید

وارده از ناحیه اعضای گروه بزه‌کار، حمایت و پشتیبانی خواهد شد. در نتیجه این حمایت‌ها، نه تنها میل و رغبت شاهد برای همکاری با دستگاه‌های پلیسی قضایی تقویت می‌شود، بلکه در پس اثبات بسیاری از این جرائم، به حفظ حاکمیت قانون در جامعه نیز کمک بسیار می‌شود. تأمین امنیت گواهان نه تنها در گرو پیش‌بینی تدابیری برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی هنگام رویارویی با متهم است؛ بلکه فراتر از آن در بر دارنده تدابیری برای پیش‌گیری از تهدیدها یا اقدامات تلافی‌جویانه متهم یا خانواده و دوستان اوست. از آنجا که این تهدیدها یا اقدام تلافی‌جویانه، در گواهان احساس ناامنی ایجاد می‌کند، ضابطان دادگستری و در رأس آن نیروی انتظامی موظف‌اند همه تدابیر لازم را برای ایجاد احساس امنیت در برابر متهم و وابستگان او به کار بندند. فراتر از سطح سیاست جنایی قضایی و اجرایی، این حمایت ممکن است در سطح سیاست جنایی قانون‌گذارانه و از رهگذر جرم‌انگاری جامعه عمل پیوشد.

#### ۵-۲-۲. ارتشا

پرداخت رشوه هم یکی از جرائمی است که در اساس‌نامه دادگاه کیفری بین‌المللی به‌عنوان جرم علیه اجرای عدالت شناخته شده است. این رفتار مجرمانه در نظام حقوق کیفری کشورمان نیز به‌عنوان جرم قلمداد شده است. بدین شرح که شخصی در مقام رشوه‌دهنده به قاضی برآید تا حکم به‌جانب وی باشد. این شخص چه‌بسا متهم، مجرم، هم‌دستان وی، وکیل و یا شخص ثالثی باشد. هر کس چنین اقدامی را انجام دهد باعث خواهد شد قاضی عدالت را رعایت

در حقوق قانون کیفری عراق، تهدید از جرائم مهم است؛ زیرا سبب تسلط بر یکی از حقوق شخصی افراد است. اما یقیناً تهدید از عوامل تعدی بر این حق بوده است و موجب ترس، آزار و اذیت نگرانی و محرومیت از آرامش می‌شود و نتیجه آن تعطیل شدن اعمال انسان از انجام کارها و نتایج منفی را بر فرد و جامعه قرار می‌دهد با توجه به این خطر جرم تهدید معلوم شده است و به‌همین دلیل قانون‌گذار عراق به این موضوع توجه کرده است. قانون‌گذار عراقی در مواد ۴۲۱-۴۳۸ از قانون مجازات عراق (شماره ۱۱۱) سال ۱۹۶۹ تحت عناوین مختلف آن را بیان کرده است (ماهرعبدشویب الدرہ، ۲۰۰۹، ۲۲۳).

در قانون مجازات عراق تهدید تعریف نشده است؛ اما در ماده‌های ۴۳۰، ۴۳۱ و ۴۳۲ فقط به ذکر عبارت «هرکس دیگری را تهدید کند» اکتفا کرده است که به آن معناست که قانون‌گذار عراقی به بیان تعریف توجه نکرده است و تعریفش را به فقه جنایی واگذار کرده است و تعاریف ذکر شده چیزی است که در فقه آمده است. بنابراین تعریف تهدید بدین صورت است که «تهدید ترساندن مجنی‌علیه و ایجاد ترس و نگرانی در قلب و اشاعه عدم آرامش در فردی با ایجاد خطر معینی در نفس فرد یا در اموالش یا مال غیر به هر وسیله‌ای» (رئوف عبید، ۱۹۸۵، ۴۲۲).

شهود یکی از ارکان موفقیت در تحقیقات قضایی به‌شمار می‌روند؛ زیرا در بسیاری موارد کشف حقیقت و صدور حکم عادلانه، بدون معاضدت کسانی که خود در صحنه وقوع جرم حضور داشته‌اند و چگونگی ارتکاب آن را ملاحظه کرده‌اند و یا مطلبی را شنیده‌اند، میسر نیست. باید به شاهد این اطمینان خاطر داده شود که در مقابل تهدیدات و صدمات احتمالی



چیزی را درخواست کند یا بپذیرد، به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم که به ناحق باشد، هم‌چنین مواردی که مورد درخواست یا پذیرش قرار می‌گیرد؛ نظیر هدیه، هبه وعده و امتیاز می‌تواند از موضوعات رشوه تلقی شود؛ اعم از اینکه به‌دنبال آن کاری را انجام دهد یا ندهد که در نهایت مربوط به وظیفهٔ او بوده است. مادهٔ ۴۳۴-۹ قانون جزای فرانسه مقرر می‌دارد: «تقاضای مستقیم یا غیر مستقیم پیشنهادات، وعده‌ها، کمک‌های مالی، هدایا و یا مزایا، در هر زمان، توسط یک قاضی یا دادستان، یک هیئت منصفه یا هر عضو دیگری از دادگاه، یک داور یا متخصص تعیین‌شده توسط یک دادگاه یا توسط احزاب و یا توسط فردی که توسط یک مقام قضایی تعیین‌شده برای انجام مصالحه یا واسطه برای انجام یا عدم انجام اقدامات اداری خود مجازات ۱۰ سال حبس و ۱۵۰ هزار یورو جریمه است». در مواردی که جرم مذکور توسط یک قاضی یا دادستان به نفع یا علیه یک فرد تحت تعقیب قانونی مجازات است انجام گیرد، مجازات به ۱۵ سال حبس و جریمه ۲۲۵ هزار یورو افزایش می‌یابد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود مجازات قاضی از مجازات سایر افرادی که رشوه می‌گیرند، شدیدتر است.

قانون‌گذار فرانسه پذیرفته است، چیزی که به‌عنوان رشوه پرداخت شده است به نفع دولت صادره شود. ضمناً برای اینکه قاضی بتواند برای موضوع رشوه، حکم محکومیت صادر کند، باید احراز کند متهم چیزی را درخواست کرده است یا پذیرفته است. و هدایا، وعده‌ها، چه به‌صورت مال یا امتیاز، باید در جهتی باشد تا مرتشی کاری را انجام دهد یا از انجام کاری که مربوط به شغل او بوده سوه باز زند.

نکند و عدالت را فدای مادیات کند. پس در این حالت مجرم نتیجهٔ عمل مجرمانهٔ خویش را ندیده است و لذا این رفتار باعث شده است مسیر عدالت مختل شود. در حیطهٔ بین‌المللی هم اسنادی وجود دارند که این مسئله را جرم‌انگاری کرده‌اند. از جمله کنوانسیون مریدا که در بند الف مادهٔ ۱۵ و اساس‌نامهٔ دادگاه کیفری بین‌المللی در بند «و» مادهٔ ۷۰ به این رفتار مجرمانه اشاره کرده‌اند. این مسئله در نظام کیفری ایران هم جرم‌انگاری شده است؛ البته نه در یک بخش مجزا تحت عنوان جرائم علیه عدالت؛ بلکه یک جرم خاصی است. در کل می‌توان در آینده مقنن را قانع کرد تا آن‌ها را به‌عنوان جرم علیه عدالت هم در نظر بگیرد.

«مطابق مادهٔ ۳ و ۴ قانون تشدید و هم‌چنین مواد ۵۸۸ تا ۵۹۴ قانون مجازات اسلامی برای راشی و مرتشی حبس و جزای نقدی تعیین شده است. بر اساس مادهٔ ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی برای راشی (رشوه‌دهنده) علاوه بر ضبط مال ناشی از ارتشا به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود» (یکرنگی، ۱۳۹۶، ۹۲).

در حقوق کیفری فرانسه، به‌دنبال جرائم علیه عدالت قضایی، مادهٔ ۴۳۴-۹ قانون مجازات این کشور، به بحث رشوه اختصاص یافته است و قانون‌گذار رشوه و بیان ارکان و عناصر آن جرم را تعریف کرده است. هر عملی توسط قاضی یا یک عضو هیئت منصفه و یا هر شخصی که در تشکیلات قضایی شاغل است یا داور یا کارشناس، اعم از اینکه این کارشناس منتخب دادگاه باشد یا مرضی‌الطرفین باشد یا شخصی که از طرف مقام قضایی برای ایجاد سازش و میانجی‌گری تعیین شده باشد صورت گیرد و مبتنی بر این باشد،

خدمت عمومی نیست و منظورش از این کار رشوه باشد یا به آن علم داشته حتی اگر واسطه آن نباشد». بر اساس نص ماده صورت خاصی را برای مجازات قرار داده است که شامل رشوه نیست و دو شرط را برای مجازات قرار داده است: اگر مرتکب جرم رشوه بشود، اگر وقوع جرم سابق بر دریافت طرف مقابل باشد یا لاحق بر آن باشد حال خواه کارمند هدفش را مشخص کرده باشد یا خیر و به آن آگاهی داشته باشد که در مقابل دریافت باید فعل یا ترک فعلی را انجام دهد و یا آگاهی نداشته باشد. شرط دوم: کسی که هدیه یا منفعت یا پاداش را می‌گیرد یا وعده به چیزی را قبول کند و به آن آگاه باشد یا بر آن حاضر باشد (علی الربیعی، ۲۰۰۹، ۱۲۹).

### ۵-۲-۳. سوگند دورغ

دلایل اثبات جرائم امروزه گستردگی قابل توجهی یافته‌اند و حتی دلایل علمی به دلیل کم خطا بودن اهمیتی بیش از دلایل انسانی پیدا کرده‌اند. اما سیستم‌های مختلف حقوقی هنوز هم از شهادت به‌عنوان یکی از دلایل اثباتی عمده، در دعوی حقوقی و کیفری استفاده می‌کنند. شهادت بی‌گمان در کنار اقرار و قسم از قدیمی‌ترین دلایل اثباتی جرائم می‌باشند. اما امروزه یافته‌های علمی از اهمیت این دلیل کاسته است. چنان‌که در این زمینه «دو سانتکتیس» بیان داشته است: «فرد در به یاد آوردن یک واقعه، احساس واقعیت درک‌شده در گذشته را تکرار نمی‌کند، بلکه واکنش ادراکی خاص خود را در برابر این واقعیت تکرار می‌کند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲، ۱۲۴). و یا در ضرب‌المثل آلمانی آمده است: «هیچ چیز به اندازه یک گواه عینی غیر قابل اعتماد

در قانون کیفری عراق برای اینکه رشوه به‌صورت تام واقع شود لازم است که رکن خاصی در آن وجود داشته باشد و این رکن در قالب شخص کارمند یا مأمور که از آن به‌عنوان جانی یاد می‌شود ظهور می‌یابد. علاوه بر این لازم است فعل یا ترک فعل مرتکب قبل از عمل جانی و در حدود صلاحیت‌اش باشد باید دانست. هر چند بدین معنا نیست که فعل یا ترک فعل به‌صورت مستقیم در صلاحیت کارمند باشد بلکه اگر ارتباط ضمنی با کارمند داشته نیز شامل این مورد می‌شود (محمد صبحی، ۲۰۰۶، ۳۱).

رکن مادی جرم رشوه با دو عنصر محقق می‌شود. عنصر اول، انجام فعالیت مجرمانه (انجام یا عدم انجام عملی از اعمالی که در حدود صلاحیت کارمند است یا کارمند گمان می‌کند در حدود صلاحیت اوست). دوم، موضوع یا چیزی که کارمند در مقابل انجام یا عدم انجام عمل دریافت می‌کند یا به‌عبارت دیگر چیزی که راشی به مرتشی پرداخت می‌کند (نائل عبدالرحمن صالح، ۱۹۹۶، ۳۰۱). آنچه مورد اتفاق دو نفر است، با توجه به مواد قانونی که بیانگر جرم رشوه است. مشخص می‌شود که حالات آن شامل درخواست، قبول یا اخذ هدیه یا پاداش یا منفعت است و گاهی منفعت مستتر در قراری است که بین طرفین بوده است. به‌طوری که می‌توان آن را از قبیل پاداش یا هدیه به‌شمار آورد؛ زیرا فایده‌ای را برای کارمند در بر دارد (کامل السعید، ۲۰۰۸، ۴۴۹).

قانون‌گذار عراقی در ماده ۳۱۲-۲ قانون کیفری عراق، مجازات زیر را برای جرم مرتشی تعیین کرده است: «هر شخصی که هدیه یا پاداشی را دریافت یا منفعتی را برای خود منظور دارد یا چیزی را قبول کند و سبب آن را بداند؛ درحالی که کارمند یا مأمور به

نمایند. در تحقق جرم شهادت دروغ در ایران به نظر می‌رسد که اظهارات شاهد باید در واقعیت دروغ باشند» (یک‌رنگی، ۱۳۹۶، ۶۰).

قانون ۴۳۴-۱۲ قانون جزای فرانسه در زمینه شهادت دروغ بیان می‌دارد: «شهادت دروغ همراه با اتیان سوگند نزد دادگاه یا مأمور پلیس قضایی که مأمور اجرای یک نیابت قضایی است مستوجب پنج سال حبس و ۷۵ هزار یورو جزای نقدی است. با این حال شاهد زور در صورتی که با اراده خود شهادتش را پیش از تصمیمی که پایان‌دهنده آئین دادرسی‌ای است که به وسیله مقام تحقیق‌کننده قضایی با دادگاه رعایت می‌شود باز پس گیرد از مجازات معاف می‌شود». هم-چنین ماده ۱۷-۴۳۴ قانون جزای فرانسه در خصوص شهادت کذب در امور حقوقی مقرر داشته است: «شهادت کذب در موضوعات حقوقی مستوجب سه سال حبس و ۴۵ هزار یورو جزای نقدی می‌باشد». در قانون جزای اردن نیز ماده ۲۱۴ به شهادت کذب اختصاص یافته است و چنین بیان کرده است.

۱- کسی که در مقابل قاضی یا مأمور او یا هیئتی که صلاحیت استماع شهود را دارد شهادت دروغ دهد یا حقیقت را به‌طور کلی یا جزئی انکار یا کتمان کند مستوجب مجازات حبس از سه ماه تا سه سال است. دارا بودن شرایط شهادت یا فقدان آن و یا آنکه شهادتش در آن مسئله مورد قبول واقع شده باشد یا نشده باشد تأثیری در تحقق جرم ندارد.

۲- «هرگاه شهادت کذب در اثنای تحقیق در خصوص جنایت یا محاکمه واقع شده باشد، مجازات وی حبس موقت با اعمال شاقه است و اگر در جرمی باشد که مجازات آن اعدام یا حبس ابد است مجازات شاهد کمتر از ده سال با اعمال شاقه نمی‌باشد». هم-

نمی‌باشد» (ابراهیمی، ۱۳۸۱، ۹۱). دلیل این امر را هم در این می‌داند که به‌ندرت پیش می‌آید که یک شاهد تمام واقعه را مشاهده کند و توان طرح آن را با تمام جزئیات ندارد و اغماض و اغراق در آن هم وجود دارد. چون این از خصایص ذاتی بشری است که بعضی از موارد را من باب میل خویش بازگو می‌کند نه بر طبق آنچه به درد مرجع قضایی بخورد.

در عرصه حقوق بین‌الملل هم کنوانسیون مریدا در ماده ۲۵ مسئله شهادت دروغ را بیان کرده است. جدای از این سند مهم بین‌المللی اساس‌نامه دادگاه کیفری بین‌المللی هم در بندهای «الف و ج» از شق ۱ ماده ۷۰، به شهادت دروغ توجه کرده است. بدین لحاظ که اگر برای بیان حقیقت شهادت کذب داده شود و یا تأثیر فاسد گذاشتن بر شهود، مانع شدن یا مداخله کردن در حضور شهود و ادای شهادت آنان، انجام اقدامات تلافی‌جویانه علیه شهود به دلیل شهادت دادن، دادگاه جنایی بین‌المللی صلاحیت قضایی خواهد داشت.

ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ درباره شهادت دروغ مقرر می‌دارد: «هرکس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد، به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد». تبصره «مجازات مذکور در این ماده علاوه بر مجازاتی است که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر گردیده است». «این ماده متعرض بحث جبران خسارت توسط شهود شده است؛ ولی مطابق قواعد کلی مسئولیت مدنی، هرگاه کسی سبب ورود خسارت گردد باید جبران نماید. در اینجا نیز شهود باید خسارت زیان‌دیده را جبران

## ۵-۲-۴. شکنجه

شکنجه از مفاهیمی است که تا کنون اجماعی برای پذیرش تعریف مشخص از آن صورت نگرفته است. اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه مقرر می‌دارد: «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود». ظاهراً اصل فوق شکنجه و اذیت و آزار را فقط برای «کسب اطلاع یا اقرار» ممنوع دانسته است و از این بابت می‌توان به اصل مزبور ایراد گرفت این اشکال هنگام طرح و تصویب اصل ۳۸ قانون اساسی مطرح شد و با بیان این که «اصل مزبور در مقام اعلام ممنوعیت شکنجه برای کسب اقرار وضع می‌گردد؛ و گرنه سایر شکنجه‌ها نیز ممنوع است و تردیدی هم در آن نیست» از این مهم عبور کرده شد.

اصل ۳۸ قانون اساسی در منع شکنجه، شرطی برای شخصیت یا مقام و موقعیت مجنی علیه مقرر نکرده است. با توجه به تصریح اصل مزبور که به «شکنجه جهت گرفتن اقرار یا اطلاعات» اشاره می‌کند، شاید این توهم که شکنجه‌شونده باید اطلاعاتی داشته باشد به وجود آید، ولی چنین فرقی صحیح نیست و منظور از اصل ۳۸ قانون اساسی و نیز سایر قوانین، بیان انگیزه‌های شکنجه است که البته به موارد مذکور هم منحصر نمی‌شود. با توجه به عبارت «... برای اینکه متهمی...» در ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی، مجنی علیه جرم شکنجه می‌باید متهم باشد. به عبارت دیگر وی باید به اتهام ارتکاب جرم دستگیر و تحت بازجویی و مورد اذیت و آزار قرار گرفته باشد

چنین ماده ۲۵۳ قانون مجازات امارات نیز مقرر داشته است: «هرکس در محضر مقام قضایی یا هیئتی که صلاحیت استماع شهادت شهود را دارد پس از اتیان سوگند شهادت دروغ داده یا حقیقت را انکار نماید یا تمام یا بخشی از اطلاعات خود را که از آن سؤال شده است کتمان نماید خواه شهادت شاهد در این امور پذیرفته شود یا نشود به حداقل سه ماه حبس محکوم می‌شود». به علاوه طبق این قانون چنانچه این عمل در جریان تحقیقات یا محاکمه امر جزایی ارتکاب یابد حکم به زندان موقت صادر می‌شود و چنانچه دروغ منجر به صدور حکم اعدام یا زندان ابد برای دیگری شود، شاهد به همان مجازات محکوم خواهد شد (گلدوست، ۱۳۹۵، ۵۷).

برای آنکه شهادت کذب در زمره جرائم علیه دادرسی عادلانه به‌شمار آید باید این شهادت در یک دعوی حقوقی و یا کیفری ادا شود. بنابراین شهادت‌هایی که در خارج از دعاوی است مانند شهادت کذب بر تاریخ تولد در مرجح ثبت احوال، اگرچه ممکن است خاطی را با کیفر مواجه کند، از زمره جرائم علیه اجرای عدالت قضایی خارج است. به همین دلیل است که ماده ۱۳-۴۳۴ قانون جزای فرانسه به شهادت نزد دادگاه یا مأمور پلیس قضایی توجه کرده است. رکن روانی در این جرم شامل علم فرد بر کذب بودن اظهارات است؛ خواه فرد حقیقت را بداند یا اطلاع از حقیقت نداشته باشد؛ ولی اظهاراتی را به‌عنوان واقع بیان دارد. بنابراین اگر فردی سهواً مطلبی را بیان دارد یا قسمتی از حقیقت را سهواً بیان نکند.

و اگر اذیت و آزار مجنی‌علیه، پیش از دستگیری و تعقیب صورت گرفته باشد یا متهم در حالت بازجویی نباشد، مشمول حکم مادهٔ ۵۱۸ قانون مزبور نمی‌شود. به‌صراحت می‌توان گفت که جرم موضوع این ماده از جرائم عمدی است. یعنی «عمدی بودن» به‌عنوان یکی از عناصر جرم باید موجود باشد تا جرم محقق شود و آن ناظر به این است که مرتکب با علم و اطلاع و آگاهانه برای انجام عمل، برخلاف وظیفهٔ قانونی خود اقدام کند. از این‌رو می‌گوییم رکن معنوی جرم شکنجه را سوءنیت مرتکب تشکیل می‌دهد و بدین‌ترتیب امکان تحقق این جرم به‌صورت غیر عمدی منتفی است.

قانون‌گذار عراق شکنجه را در قانون مجازات عراق مادهٔ ۳۳۳ شماره ۱۱۱ سال ۱۹۶۹ مورد توجه قرار می‌دهد و می‌گوید: «هر کارمندی یا اموری که مشغول به خدمت عمومی بوده و دستور به شکنجهٔ متهم، شاهد و هر فرد آگاهی داده تا به جرم اعتراف کند یا اطلاعات و سخنانی را بیان کند یا امری را کتمان و مخفی نماید به زندان یا حبس محکوم می‌شود در این مورد استفاده از قدرت یا تهدید در حکم شکنجه است» (مادهٔ ۳۳۳ من قانون العقوبات العراقی).

قانون اساسی در مادهٔ ۳۷ بند (ج) انواع شکنجه‌های روحی و جسمی و رفتارهای غیر انسانی را رد کرده است و به اعترافات گرفته‌شده از طریق زور و تهدید یا شکنجه اشاره کرده است، فرد متضرر طبق قانون می‌تواند غرامت و جبران خسارت مادی و معنوی را که به وی شده است درخواست کند. قانون مجازات عراق به‌ویژه در ماده‌های ۳۳۲ و ۳۳۳ به‌وسیلهٔ افسر زندان یا کارمند رسمی دولت که شکنجه یا جنایات

توسط آن انجام می‌شود، مجازات تعیین شده است. اما مجازات‌های تعیین‌شده به‌طور قابل ملاحظه‌ای کوچک هستند و بازدارنده نیستند. مادهٔ ۳۳۲ قانون مجازات عراق می‌گوید: «هر شخصی که اقدام به شکنجه نماید به مدت حداکثر یک سال زندان و جریمهٔ حداکثر صد دینار مجازات می‌شود که یکی از این دو مجازات را شامل می‌شود». اگر هر کارمند یا مقام رسمی دولتی با توجه به نوع رتبه یا درجه‌ای که دارد اقدام به شکنجه و سوءاستفاده از قدرت کند و اعمال شکنجهٔ شدیدی را بر روی متهم یا زندانی اعمال کند که خارج از قانون باشد و بر روی بدن فرد متهم آثار ضرب‌دیدگی و شکنجه مشاهده شود، فرد متهم به اعمال شکنجه را با اشد مجازات باید از مقام خود اخراج کرد.

مادهٔ ۳۳۳ قانون مجازات عراق بیان می‌کند: «هر مقام رسمی یا دولتی که اقدام به شکنجه یا دستور انجام شکنجه متهم، شاهد و کارشناس (متخصص) جهت شهادت یا کسب اطلاعات به‌منظور اجبار به اعتراف یا اعمال خشونت یا برای ارائه و بیان اطلاعات در مورد هر جرمی و یا نگهداری اطلاعات و یا ندادن نظر خاصی در مورد آن و مجازات توسط زندانی کردن و یا بازداشت جرم بوده و ممنوع می‌باشد».

حقوق فرانسه همانند سایر نظام‌های حقوقی، معتقد به‌ضرورت توصیف مجرمانه جرم به‌وسیلهٔ قانون است. موضع حقوق فرانسه در مورد ممنوعیت اعمال شکنجه در اسناد و معاهدات متعدد بین‌المللی به‌صورت مکرر بیان شده است و به‌طور مستقیم و غیر مستقیم مورد تأکید قرار گرفته است و علاوه‌بر پیش‌بینی سازوکار نظارت بر رعایت منع شکنجه، ملزم به اجرا و گسترش فرهنگ مقابله با شکنجه در

برای حاکمیت قانون و دستیابی به نظام دادرسی عادلانه است، مستلزم تحقق اصول دیگری است که ما از آن به عنوان شاخصه های عدالت قضایی یاد می کنیم. ثمره عملی اجرای این اصول، تضمین حقوق اصحاب دعوی، خصوصاً متهم در امور کیفری است. چرا که در محاکمات کیفری، آنچه در معرض مخاطره است، جان و شخصیت آدمی است که بسی مهم تر و حیاتی تر از اموال و اشیای بی جانی است که موضوع دادرسی های حقوقی (غیر کیفری) قرار می گیرد (لسانی و دیگران، ۱۳۹۵).

شاخصه های تحقق عدالت در نظام قضایی را بدین شرح می توان ذکر کرد: (۱) استقلال و بی طرفی قاضی در رسیدگی؛ (۲) تسهیل دسترسی به وکیل و یا نهاد مشاوره حقوقی برای اصحاب دعوی و ترافعی بودن رسیدگی؛ (۳) رعایت اصل علنی بودن رسیدگی به دعاوی؛ (۴) دو درجه ای بودن رسیدگی؛ (۵) لزوم تشکیل هیئت منصفه در دعاوی کیفری؛ (۶) تعدد قاضی در رسیدگی به دعاوی.

در بین موارد فوق الذکر، استقلال و بی طرفی قاضی در رسیدگی از اهمیت بالایی برخوردار است. رسیدگی در قضاوت جمعی، بیشتر می توان به عدم دخالت حکومت و دیگران در امر قضاوت و در نتیجه، صدور رأی عادلانه امید داشت و به عبارت دیگر، این گونه قضاوت می تواند چهره بی طرفی را در قضاوتها نمایان سازد و دادرسی و صدور رأی را در سیستم قضایی به واقعیت نزدیک کند. مشارکت چند قاضی در دادرسی ها به استقلال قضاوت از حکومت می کند و از این جهت، قوه قضائیه می تواند استقلال خود را در حکومت حفظ کند و حافظ منافع مردم باشد؛ نه حکومت. از سوی دیگر، با توجه به اینکه احتمال

محدوده حاکمیت قضایی خود کرده است. ممنوعیت اعمال شکنجه از اهداف اساسی حقوق بشری است و همه دولت ها از جمله فرانسه که معاهدات مربوط به شکنجه را امضا کرده اند ملزم به رعایت این اصل هستند و باید زمینه اجرا و گسترش آشنایی جامعه با حقوق اساسی بشر را فراهم آورند. مطابق ماده ۶۸۹ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه، مجرمان و کسانی که متهم به جرمی در خارج از فرانسه شده اند، ممکن است تحت مفاد قوانین کیفری یا سایر مقررات در دادگاه های فرانسه محاکمه شوند و یا هنگامی که یک کنوانسیون بین المللی به دادگاه های فرانسه برای مقابله با این جرم صلاحیت بدهد، مورد محاکمه قرار گیرند. بنابراین این قانون در مورد جرم شکنجه در قانون فرانسه قابل اجرا است.

### ۳-۵. ضرورت های تحقق عدالت قضایی

ضرورت های تحقق عدالت قضایی شامل مواردی است که در ادامه بیان می شود.

### ۱-۳-۵. اصل تناظر و استقلال قاضی

شاخصه های تحقق عدالت در نظام قضایی اصولاً بر مدار تضمین حقوق اصحاب دعوی، قرار دارد. اصل تناظر که یکی از اصول راهبردی آئین دادرسی است، عبارت است از اینکه هر یک از اصحاب دعوی باید علاوه بر اینکه فرصت و امکان مورد مناقشه قرار دادن ادعاها، ادله و استدلال های رقیب را داشته باشد، باید فرصت و امکان طرح ادعاها، ادله و استدلال های خود را نیز داشته باشد. اجرای اصل فوق الذکر که زمینه ای

می‌کنند و هم‌چنین وجود قضاوت متعدد در دادگاه‌ها، با اندیشه‌ها و افکار سیاسی و اجتماعی متفاوت، جلوهٔ زیبایی از افکار عمومی است و آرای که بدین شکل صادر می‌شوند، نمایندهٔ افکار عمومی و انتظارات مردم از دستگاه قضایی است و چه‌بسا احکام صادرهٔ ناشی از این‌گونه قضاوت‌ها، در عین ارضای وجدان عمومی، باعث تحول در قانون‌گذاری می‌شود؛ بنابراین از این لحاظ، دارای فواید قضایی و سیاسی زیادی است (آخوندی، ۱۳۸۱، ۹۱). در این صورت است که می‌توان به اجرای عدالت در سیستم قضایی اعتماد کرد؛ زیرا فرد محکوم خواهد دید که شخص واحد قضاوت نکرده است؛ بلکه رأی صادره به‌وسیلهٔ گروهی از قضاوت متخصص صادر شده است که امکان خطا و اشتباه همهٔ قضاوت، بسیار پایین است (استفانی، ۱۳۷۷، ۵۹).

«با توجه به اینکه قضاوت و داوری به‌وسیلهٔ فرد، یعنی اجرای متمرکز دادرسی، قاضی را در پیچ و خم بعضی از جرائم به‌اشتباه وامی‌دارد، به همین دلیل می‌طلبند به کمک کارشناسان و قضاوت متعدد در اثبات و رویارویی با واقعیت جرائم، اشتباهات قضاوت‌های فردی را کاهش داد؛ بنابراین حضور چند قاضی در امر دادرسی در قالب شورای داوری و قضایی می‌تواند ماهیت اصلی مسائل را مشخص کند و به قاضی در امر دادرسی کمک و یاری رساند» (هاشمی‌شاهرودی، ۱۳۸۶).

«در محدودهٔ بعضی از جرائم، برداشت‌های موسعی از عناوین مجرمانه و مفاهیم به‌کار رفته در تعاریف آن‌ها می‌تواند وجود داشته باشد. بنابراین لازم است به‌وسیلهٔ افراد کارشناس و متخصصان، مورد رسیدگی و قضاوت قرار گیرد. به‌بیان دیگر، دقیق و ظریف

تطمیع قاضی از راه رشوه یا تهدید او در صورت وجود قاضی واحد وجود دارد، با قضاوت جمعی و گروهی اگر نگوییم این احتمال به صفر می‌رسد، ولی به حداقل می‌رسد و زمینهٔ بی‌طرفی قاضی را در امر قضاوت بهتر فراهم می‌سازد؛ زیرا رأی صادره به گروه داوری یا شورای داوری منتسب است و اگر یک قاضی یا حداقل این جمع، نظر و رأی مخالف داشته باشد، باز هم به نظر و رأی اکثریت تن می‌دهند و آن را امضا می‌کنند (ضرابی، ۱۳۷۲، ۵۲). این سیستم، باعث افزایش مصونیت قضاوت و کاهش اعمال نفوذ اشخاص در پرونده‌هایی که توسط هیئت قضاوت مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، می‌شود که در صورت مراجعهٔ اشخاص به هر کدام از قضاوت، نوعاً گفته می‌شود من تنها تصمیم نمی‌گیرم، تصمیم‌گیری با جمع است و اعمال نفوذ و تحت‌تأثیر قراردادن یک قاضی به‌ویژه قاضی تازه‌کار، معمولاً آسان‌تر از اعمال نفوذ در هیئتی از قضاوت به‌ویژه قضاوت با تجربه است.

### ۵-۳-۱. افزایش اعتبار دادرسی

حضور یک جمع در دادرسی، بیانگر تجلی افکار عمومی در قضاوت و دادرسی‌هاست که طبیعتاً باعث افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی می‌شود و در عرصهٔ بین‌المللی، وجه و اعتبار سیاسی قضایی بسیار بالایی برای حکومت در بر دارد. به نظر موافقان قضاوت جمعی، وجود شوراهای داوری (مانند هیئت منصفه) و شوراهای حل‌وفصل اختلافات که اعضای آن از افراد گوناگون جامعه انتخاب می‌شوند، باعث می‌شود دادرسی‌ها جنبهٔ مردمی بگیرد و افکار عمومی در دادرسی‌ها تجلی یابد. بنابراین شوراهای قضایی، انتظارات مردم را از عدالت و قضاوت برآورده

حقوقی در چنین مواردی، موضوعات مبتدی را پیچیده می‌کند و از اهداف اولیه قانون‌گذار و روح عدالت دور می‌سازد. به همین دلیل، برداشت اکثریت، به واقعیت نزدیک خواهد بود هم‌چنین استفاده قضات به‌ویژه قضات کم‌تجربه و جوان از فکر و تجربه قضات دیگر، باعث کاهش اشتباهات در تصمیم‌گیری خواهد شد؛ یکی از حقوق‌دانان معاصر می‌نویسد: «وجود قضات متعدد در یک دادگاه، این امکان را به‌وجود می‌آورد که آنان باهم مشاوره و تبادل نظر نمایند و از برداشت و استدلال همدیگر آگاهی یابند و مغلوب فکر و اندیشه شخصی خود نشوند. دادرسان جوان و تازه‌کار از تجربیات قضات با سابقه بهره‌مند گردند» (آخوندی، ۱۳۸۱، ۸۹).





## ۶. نتیجه

در مقاله حاضر این پرسش بررسی شد که جرائم علیه عدالت قضایی در حین دادرسی و صدور حکم با رویکرد تطبیقی کدام‌اند؟ نتایج نشان داد نظام حقوق کیفری ایران در موارد متعددی جرائم علیه عدالت قضایی را بررسی کرده است. البته برخلاف اسناد بین‌المللی از جمله کنوانسیون مریدا، کنوانسیون پالرمو و اساس‌نامه دادگاه کیفری در هیچ‌یک از قوانین کیفری از جمله، قانون مجازات عمومی و قانون مجازات اسلامی، فصل‌بندی مستقلی تحت عنوان جرائم علیه اجرای عدالت وجود ندارد. اجرای عدالت قضایی همواره در تمامی اعصار دارای اهمیت بوده است. به همین دلیل قانون‌گذاران کشورهای مختلفی مانند عراق، فرانسه و ایران رفتارهایی را که ممکن است اجرای مجازات را با مشکل مواجه کنند جرم تلقی کرده‌اند. تحقق عدالت قضایی نیز از مهم‌ترین ایده‌ها و آرزوهای بشر در طول تاریخ بوده است و از وظایف اساسی قوه قضائیه به‌شمار می‌رود که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به اجرای عدالت است. نیل به عدالت قضایی مستلزم دادرسی عادلانه، اصلاح و تدوین موادی در فصلی مجزا و مستقل همانند قانون کیفری فرانسه است که در مجموعه قوانین کیفری عراق و ایران فصلی به جرائم علیه عدالت قضایی اختصاص نیافته است؛ بلکه به‌طور پراکنده به برخی از جرائم اشاره شده است. زیرا جرائم علیه عدالت قضایی اعمال و رفتارهایی هستند که به‌نوعی مانع از تأمین عدالت قضایی متکی بر اصول و مبانی صحیح و قانونی می‌شود. بنابراین هر چیزی که در مسیر اجرای قوانین شکلی و تشریفات دادرسی خللی وارد کند

به‌عنوان جرم علیه جریان عدالت قضایی قابل طرح است. اعمالی از قبیل تهدید شهود، تهدید مقامات قضایی، رشا و ارتشا، اختلاس، جرائم مربوط به ادای شهادت (مانند شهادت دروغ)، سوگند دروغ، مساعدت در خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، دخالت در اموال توقیف‌شده، اختفای جسد مقتول، شکستن مهر و پلمپ، فرار افراد بازداشت، تحت بازداشت و زندانی به‌گونه‌ای است که اسباب اختلال در روند اجرای عدالت قضایی را فراهم می‌آورد. اما مقنن عراقی برخلاف قوانین سایر کشورها، به‌شکل پراکنده‌ای موادی را به این جرائم اختصاص داده است و آن را جرم‌انگاری تلقی کرده است که ایراداتی نیز بر آن وارد است. قانون جزای فرانسه در چهار باب تنظیم شده است که باب اول در مورد قانون مجازات، باب دوم در مورد مسئولیت کیفری و شامل دو فصل، باب سوم در مورد مجازات‌ها و باب چهارم شامل قانون مجازات فرانسه در قبال تعرض‌ها علیه عدالت قضایی است که طی چهار مبحث به‌صورت تفصیلی رفتارهایی را که مانع برقراری عدالت و تعرض به اقتدار دادگستری است تعیین کرده است. اما در قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۵ بدون اینکه فصلی را به جرائم علیه عدالت قضایی اختصاص دهد، به‌طور پراکنده به برخی از افعال و ترک فعل‌هایی که مخل روند عدالت و احقاق حقوق اشخاص است، وصف مجرمانه اعطا کرده است.

## ۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

## ۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.



شپه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

### فارسی

- جمعی از نویسندگان، ادلهٔ اثبات دعوی کیفری، چاپ اول، مشهد، دانشگاه علوم رضوی، ۱۳۸۲.
- حسن پور، جمیل؛ صدیق، میرابراهیم؛ همراهی، راضیه، «بررسی تطبیقی جرائم علیه عدالت قضایی در پنج کشور امریکا، آلمان، آلبانی، ایران و فرانسه»، فصلنامهٔ علمی پژوهشی علوم اجتماعی، سال یازدهم، شمارهٔ سی‌وششم، ۱۳۹۶.
- شعبانی، اعظم الملوک، «حمایت از شهود در دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۱.
- ضرابی، غلامرضا، آئین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۲.
- طارمی، محمدحسین، «عدالت قضایی و جرائم پیرامونی»، نشریهٔ نگاه حوزه، شمارهٔ دویست- و شصت‌وسوم، ۱۳۸۸.
- فلکی، محسن؛ جزایری، سید عباس، «جرائم علیه عدالت قضایی در مرحلهٔ اجرای حکم در حقوق کیفری ایران»، مجلهٔ مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، شمارهٔ چهل‌ویکم، زمستان ۱۴۰۰.
- کوشا، جعفر، جرائم علیه عدالت قضایی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۱.
- گلدوست، محمد، «بررسی جرائم علیه عدالت قضایی در حقوق کیفری ایران و قرآن کریم»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۵.
- لسانی، محسن؛ حیدری، محمدعلی؛ توکلی، احمدرضا، «جایگاه و ضرورت قضایی شورایی در
- ابراهیمی، شهرام، «بررسی تطبیقی جرائم مخل جریان عدالت کیفری در حقوق ایران و فرانسه»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۱.
- آخوندی، محمد. آئین دادرسی کیفری (اندیشه‌ها)، چاپ دوم، قم، انتشارات اشراق، ۱۳۸۱.
- استفانی، گاستون، آئین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۷.
- اسدی، لیلا، «بررسی تطبیقی جرائم علیه عدالت قضایی در حقوق ایران و اردن»، مجلهٔ فقه و حقوق خانواده، شمارهٔ سی‌وهفتم، بهار و تابستان ۱۳۸۴.
- آشوری، محمد، عدالت کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶.
- آقای، قاسم، «جرائم علیه عدالت قضایی در مرحلهٔ دادرسی»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علوم قضایی، ۱۳۹۰.
- انصاری، محمودرضا؛ بیاتی، محمدحسین؛ «جایگاه عدالت قضایی در تحقق جامعهٔ مطلوب اسلامی»، مجلهٔ رهیافت انقلاب اسلامی، شمارهٔ پنجاه‌ونهم، تابستان ۱۴۰۱.
- توجهی، عبدالعلی؛ مسعودیان، مصطفی، «بررسی تطبیقی جرم تهدید به‌عنوان اقدامی علیه عدالت قضایی»، نشریهٔ حقوق جزا و سیاست جنایی، شمارهٔ دوازدهم، ۱۳۹۱.

- نائل عبدالرحمن صالح، الوجیز فی الجرائم الواقعة علی الاحوال، عمان (الاردن)، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۹۹۶.

تحقق عدالت قضایی، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره پانزدهم، ۱۳۹۵.

- میرزایی، اسدالله، «حمایت از بزه‌دیدگان و شهود در برابر تهدید در فرآیند دادرسی کیفری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۴.

- هاشمی شاهرودی، سید محمود، صحیفه عدالت (دیدار با هیئت منصفه مطبوعات تدوین)، چاپ اول، تهران، نشر مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۸۶.

- یکرنگی، محمد، جرائم علیه اجرای عدالت قضایی (مطالعه تطبیقی)، چاپ چهارم، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۶.

## عربی

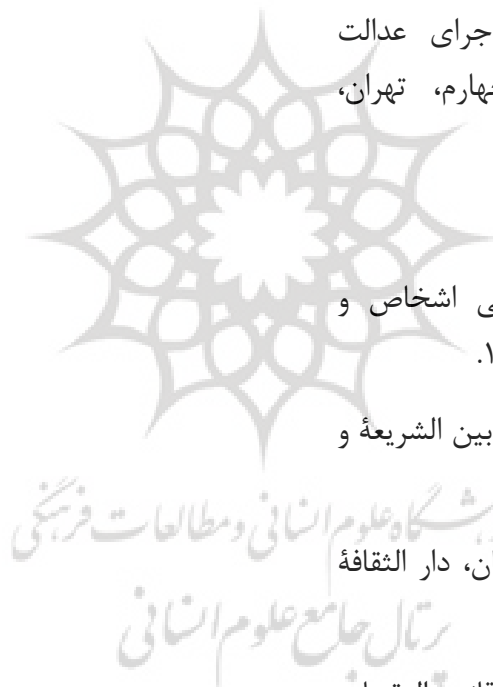
- رئوف عبید، جرائم الاعتدال علی اشخاص و الاموال، القاهرة، دارالفکر العربی، ۱۹۸۵.

- علی الربیع، أحكام جریمة الرشوة بین الشریعة و القانون، بغداد، دارالفکر العربی، ۲۰۰۹.

- کامل السعید، المصدر السابق، عمان، دار الثقافة للنشر، ۲۰۰۸.

- ماهر عبد شویش الدرہ، کتاب شرح قانون العقوبات القسم الخاص للدكتور ماهر عبد شوايش الدرہ، القاهرة، الناشر المكتبة القانونية ناشرون و موزعون، ۲۰۰۹.

- محمد صبحی نجم، قانون العقوبات القسم الخاص، عمان، دار الثقافة للنشر والتوزیع، ۲۰۰۶.



روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی